

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه شعر

حصار دلتنگی

شاعر: نسرین سرمدل

چاپ اول

نیک آموز ۱۳۹۲

سرشناسه : شیردل نسرین ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور : در حصار دلتنگی/ نسرین شیردل.

مشخصات نشر : اردبیل : نیک آموز، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۶۲ ص.

شابک : ۴۵۰۰۰ ریال=۲۹-۳۹-۲۹۲۱-۹۶۴-۹۷۸

موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره : PIR ۸۱۳/ی ۴۵۳۸۵ ۱۳۹۰

بند دس : ۱/۶۲۸

شمار کتابشناسی ملی : ۲۵۳۱۳۴۳



نشریات نیک آموز

موضوع : در حصار دلتنگی

نشر : نسرین شیردل

ناشر : انتشارات نیک آموز

صفحه آرای : نرگس

طراحی روی جلد : علیرضا

لیتوگرافی دیجیتال : بهار علم

سال چاپ : ۱۳۹۲ چاپ اول

شابک : ۴۵۰۰۰ ریال=۲۹-۳۹-۲۹۲۱-۹۶۴-۹۷۸

قیمت : ۴۵۰۰۰ ریال

مرکز پخش : اردبیل ۱- میدان امام - جنب مصلی - بوستان کتاب

تلفن ۲۲۴۸۹۴۴

۲- انتشارات نیک آموز - ۰۹۱۴۳۵۴۲۳۶۶

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
	مقدمه
	اشعار فارسی
۱۶	۱ راز و نیاز
۱۷	۲ در مورد قرآن کریم
۱۸	۳ عقاب قله ی شعر
۱۹	۴ قبله گاه عشق
۲۰	۵ مانده ام در حصار دلتنگی
۲۱	۶ از یاد رفته ام
۲۲	۷ دریایی شو
۲۳	۸ دلم برای خودم تنگ می شود گاهی
۲۴	۹ نغمه ی عشق
۲۵	۱۰ طوفان غم
۲۶	۱۱ پرواز کن برو ...
۲۷	۱۲ باید زجان گذشت

ردیف	عنوان	صفحه
۱۳	مرگ حقیقت	۲۸
۱۴	درد دل	۲۹
۱۵	تنهایی	۳۰
۱۶	عشق نافرجام	۳۱
۱۷	میوه ی ممنوعه	۳۲
۱۸	نیل امیر آرزو	۳۳
۱۹	برای دختر دیر «شیدا»	۳۴
۲۰	واژه های دوست	۳۵
۲۱	مقدمه ی شعر (سایه و سر)	۳۶
۲۲	سایه ی سرد	۳۷
۲۳	کراک یک تجربه ی خطرناک	۳۸
۲۴	در لحظه های ساکت آرامش	۳۹
۲۵	خانه خوب است اگر	۴۱
۲۶	در سایه ی حق	۴۲
۲۷	سیاهی	۴۳
۲۸	تقدیر	۴۴
۲۹	درد روزگار	۴۵
۳۰	در مقام زن	۴۶
۳۱	در مقام مرد	۴۸

ردیف	عنوان	صفحه
۳۲	در مقام مادر	۴۹
۳۳	در مقام پدر	۵۱
۳۴	در مقام ادب و تربیت	۵۲
۳۵	امید و آرزو	۵۳
۳۶	هنر در سخن بزرگان	۵۵
۳۷	ادبی در وصف مقام معلم	۵۶
۳۸	دریغ عشق و عاطفه	۵۸
۳۹	ارزش علم و دانش	۵۹
۴۰	وقف چشمه ی سبزه جارس	۶۰
۴۱	حجاب	۶۲
۴۲	پاییز یاد آور معاد	۶۴
۴۳	خورشید عدالت	۶۵
۴۴	حریم پاک کبریا	۶۶
۴۵	چند رباعی	۶۷
۴۶	غزل مثنوی « ایران من »	۶۸
۴۷	شعری در وصف استاد شهریار	۷۰
۴۸	راه پیشرفت و تعالی	۷۱
۴۹	آئینه ی دل	۷۲
۵۰	شعر غم	۷۳

ردیف	عنوان	صفحه
۵۱	عشق حقیقی	۷۴
۵۲	پاییز	۷۵
۵۳	عید، عید همه است	۷۶
۵۴	روز عید	۷۷
۵۵	بهاری دگر رسید	۷۸
۵۶	یوبیله سال ۱۳۸۸	۷۹
۵۷	فال و طالع	۸۰
۵۸	شعر بهار	۸۲
۵۹	آسمان گریه بر سر است	۸۳
۶۰	سخنی با جوانان	۸۴
۶۱	فصل کوچ	۸۶
۶۲	باید رفت	۸۷
۶۳	حماسه ای دیگر	۸۸
۶۴	میلاد نور	۹۰
۶۵	مرثیه ای در رحلت پیامبر (ص)	۹۱
۶۶	شمس رسالت	۹۲
۶۷	نگین عرش	۹۳
۶۸	دو بیتی های در سوگ کوثر	۹۴
۶۹	صحنه ی کربلا	۹۶

ردیف	عنوان	صفحه
۷۰	آواره ی دشت کربلا	۹۷
۷۱	فاتح دربار	۹۸
۷۲	راه زینب	۱۰۰
۷۳	کوه استقامت	۱۰۱
۷۴	سقای تشنه لب	۱۰۲
۷۵	قوم محبوس	۱۰۳
۷۶	شهید ظلم	۱۰۵
۷۷	شهید زهر جا	۱۰۶
۷۸	زائر مشتاق	۱۰۸
۷۹	دیوانه ی عشق یوسف	۱۰۹
۸۰	شعر گل های زخمی	۱۱۰
۸۱	دوبیتی ها	۱۱۱
۸۲	حکمت شماره ی ۹۱۳	۱۱۲
۸۳	صفات مومن در حکمت ۳۳۳	۱۱۳
۸۴	نغمه های عشق	۱۱۴
۸۵	ابر سیاه	۱۱۵
۸۶	سفیر عشق	۱۱۶
۸۷	مسافری از جنس نور	۱۱۷
۸۸	مادر	۱۱۸

ردیف	عنوان	صفحه
۸۹	درد فراق	۱۱۹
۹۰	فرشته های زمینی	۱۲۰
۹۱	درد مهجوری	۱۲۱
۹۲	کتاب	۱۲۳
۹۳	انسان بی عاطفه	۱۲۲
	اشعار مرکم	
۱	شاعر و درد - بوزلری	۱۲۶
۲	عشق	۱۲۷
۳	آنا فراقیندا	۱۲۸
۴	آنا وصفینده	۱۲۹
۵	آنا حسرتینده	۱۳۰
۶	موغامات	۱۳۲
۷	باشیمین تاجی سان عزیز معلم	۱۳۴
۸	مهربان باغبانیم عزیز معلم	۱۳۶
۹	ایلین آخیر چرشنه لری	۱۳۷
۱۰	قشین عمری سونا چاتدی	۱۳۹
۱۱	ایلین یازی قیشا دوندی	۱۴۰
۱۲	گل ای گوزه ل گتیریپ تنگه بو زمانه منی	۱۴۱
۱۳	ایشیقلی آی	۱۴۲

ردیف	عنوان	صفحه
۱۴	گنج پایدار	۱۴۳
۱۵	شمس ولایت	۱۴۴
۱۶	جانان وصالی	۱۴۵
۱۷	مقتل و عاشورا پیاملاری	۱۴۶
۱۸	مقتل، شجاعت، ایثار و ولایتمداری حضرت ابوالفضل (ع)	۱۴۹
۱۹	خداوندی حضرت زینب در میان کوفیان	۱۵۱
۲۰	پیامبر خوش رو	۱۵۳
۲۱	صاحب دین گاه آمان	۱۵۵
۲۲	یاشاسین غزه نیل بر سر در	۱۵۶
۲۴	آیریلیق	۱۵۷
۲۵	حق سوزی	۱۵۸
۲۶	اوره ک سوزی	۱۶۰
۲۷	اوروجلوق آیی	۱۶۱
۲۷	حضرت زهرانین رثاسیندا	۱۶۲
۲۸	داش اوره ک	۱۶۳
۲۹	گوزومن غم یاغیر	۱۶۴
۳۰	یالان دنیا	۱۶۵

مقدمه:

این کتاب را می‌رسد از رفتن سیلاب به گوش

که در این خشک نمانید که دریایی هست

آنرا که در کتاب از وقایع و حوادث به مرتبه ای خاص می‌رسد، ظهورات ادراکی نیز رسد و به ده‌های ویژه می‌یابند و دیگر، مجمع کلمات و ترتیب و تنظیم جملات به سامان، ای مدرکه و ناطقه‌ی شخص را اقناع نمی‌کند و او می‌کوشد منبع گویایی را بیابد و تکمیل کند و نهایت سخن دل را به سخن زبان ترجیح می‌دهد.

اینجاست که کلاسی به نام شعر پیدا می‌یابد، منتها تجلی عرصه یا عالم میلادها، به بیان دیگر ظهورات ضمائر شعری نمی‌تواند یکدست و همگون باشد، یعنی حتی با فرض همسانی طبایع، همگونی اشعار ممکن نیست و هر شاعری می‌تواند تنها مقداری از ادراک خاص خود را با زبان شعر و با سبب منحصر به خود بیان کند.

خانم شیردل که اینجانب سالها معلمشان بوده‌ام و ذوق و ضریح ایشان را تا حدودی می‌شناسم از ادراک خاص خود، آن مقدار بر زبان می‌آورد که لازم می‌داند. ثانیاً با اقتدار و اقناع طبعش مناسب می‌شناسد. با این وصف، ایشان هم، در عرصه‌ی ادبیات منظوم، هیچ ادعایی ندارد و هیچ تکلفی را تن نمی‌دهد. او

می خواهد که آنچه را با وظایف اخلاقی، انسانی و ایمانی او گره خورده، وفادار باشد و این وفاداری را در کلام منعکس کند.

او وقتی که می گوید:

چند که تقدیر رقم خورده است من معترض و به فکر تغییرم

می خواهد هم صدا با مصرع « چرخ بر هم زخم از غیر مرادم گردد » مقدرات انسان را بداند و بداند که انسان نشان می دهد تا او « انسان » هم دنیای خود را لایق حقیقت می خشد. بسازد هم آن دنیای خود را.

او می داند که سارا خانه گفتن برای او نیز چون عذیده ای دیگر ممکن نیست بنابراین در جهت اصلاح می زند بلکه در مسیر تکلیف گام می نهد و به مقدار خود می گوید و می نویسد و می داند که باطنها می توانند و باید عروج کنند و در طلب این معراج چه زیبا می گوید:

خانه خوب است اگر پنجره اش باز شود و در خسته ی من عازم پرواز شود

گر چه تعلقات و احوال اخلاقی خانم شیدا را به زبان کهن سازگارتر است. اما ذوق بیرون از اختیار او سبب شده که گاهی از ترکیبات و تخیلات جدید نیز استفاده جوید. حتی شعر آزاد نیز بگوید، از جمله آنچه که می گوید:

من همزبان چشمه های پرخروشم من شاعر گریه ی زبای خموشم ...

« مسافری از جنس نور

به سرزمین مهجور

هبوط خواهد کرد »

نمونه های مذکور عدم تعصب وی به شیوه و اسلوبی خاص و نهایت تکلف پذیری طبعش را نشان می دهد . اینجانب شرایط سنی و ذهنی مناسب برای نقد یا مقدمه نوشتن نداشتم و ندارم ، تنها به جهت تکلیف معلمی که داشتم ، در پاسخ به خواست ذوق این شاعر جوان این چند سطر را سیاه کردم ،

خدایشان یاور و طبعشان سرشار.

شاهی ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

www.ketab.ir